

اخبار

سخنگوی کمیسیون اصل نود:

در مورد حقوق‌های غیر متعارف استعلاماتی را دریافت می‌کنیم



سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی گفت که اگر موضوع حقوق‌های غیرمتعارف اثبات شود کمیسیون اصل نود در این زمینه به صورت جدی‌تر ورود می‌کند و نظارت جامع‌تری را خواهد داشت و استعلاماتی را از هر سه قوه دریافت می‌کند.
بهرام پارسی‌دی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در جریان اجرای برخی قوانین از جمله منع بکارگیری بازنشستگان یا تعیین سقف برای حقوق‌ها مقاومت‌هایی به انحاء مختلف صورت می‌گیرد؛ مثلاً برخی وزارتخانه‌ها در برابر اجرای قانون منع بکارگیری بازنشستگان مقاومت می‌کنند و اکثراً این کار با تفسیر به رای انجام می‌شود یا نمونه‌هایی داریم که دادستان دیوان محاسبات برای منع به کارگیری یک فرد بازنشسته حکم صادر کرده ولی مدیران ارشد از عزل آن فرد طفره می‌روند. وی اضافه کرد: اخیراً فهرستی از حقوق‌های غیر متعارف در صندوق بازنشستگی منتشر شده که قابل بررسی در کمیسیون اصل ۹۰ است. کمیسیون اصل ۹۰ مرجع رسیدگی به این تخلفات است و می‌تواند این موضوع را در کمیسیون مورد رسیدگی قرار دهد. البته هر موردی که به کمیسیون ارجاع شود به آن رسیدگی خواهیم کرد و این جزو وظایف ماست.

نماینده مردم شیراز در مجلس ادامه داد: پیش از این هم گزارش‌های موردی داشتیم که مدیران برخی ادارات در شهرستان‌ها حقوق های غیرمتعارف دریافت می‌کنند. در این زمینه استعلام‌هایی از وزارتخانه‌های مربوطه صورت گرفته که اگر صحت داشته باشد و اثبات شود نظارت جامع تری را می‌طلبد. هفته گذشته هم یکی از نمایندگان در تذکری در مورد فعالیت بازنشستگان در مسندهای بالای بنیاد شهید داد که این موضوع هم در کمیسیون قابل بررسی است. پارسی‌ی خاطر نشان کرد: اگر موضوع حقوق‌های غیرتعارف اثبات شود کمیسیون اصل نود در این زمینه به صورت جدی‌تر ورود می‌کند و نظارت جامع تری را خواهد داشت و استعلاماتی را از هر سه قوه دریافت می‌کند.

سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با بیان اینکه گزارش این کمیسیون از حقوق های غیرمتعارف در سال ۹۵ در مجلس فرادت شد، گفت: در آن زمان خلاه قانونی وجود داشت ولی بعد از ورود مجلس و تعیین سقف حقوق‌ها شاهد دیگر عددی در این زمینه پذیرفته نیست. وی در پایان خاطر نشان کرد: البته برخی مدیران هستند که نباید آنها را با دیگران مقایسه کرد همانطور که در کشورهای دیگر هم اینطور است، مثلاً قضات عالی رتبه باید حقوق های بسیار خوبی دریافت کنند چرا که در غیر اینصورت احتمال تخلف وجود دارد یا مهندسان متخصص نفت و گاز که در کشورهای دیگر می‌توانند چند صد میلیون تومان حقوق دریافت کنند، بنابراین نباید به گونه‌ای عمل شود که ما نیروهای نخبه خود را از دست دهیم و این استثنا باید در قانون برای افراد نخبه در نظر گرفته شود.

کنعانی مقدم:

پرونده «اسدی» نباید فراموشی شود

عضو جبهه ایستادگی با بیان اینکه وزارت امور خارجه باید در قبال پرونده «اسدالله اسدی» پاسخگو باشد، گفت: این وزارتخانه در قبال دیپلمات‌ها مسئول است.

حسین کنعانی مقدم عضو جبهه ایستادگی در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره پرونده «اسدالله اسدی» دیپلمات ایرانی در اتریش که سال گذشته بازداشت شده است، گفت: در چارچوب روابط بین الملل پیگیری این مسائل جز وظایف وزارت امور خارجه است؛ البته در این راستا اقداماتی را انجام داده‌اند ما به نظر می‌رسد طرف آلمانی رغبتی برای باز کردن این پرونده ندارد. وی افزود: یکی از اقداماتی که باید انجام می‌شد انتخاب وکیل برای وی بود و تا آنجایی که بنده اطلاع دارم این کار انجام شده است اما با این حال، روند رسیدگی به پرونده «اسدی» همچنان در هاله‌ای از ابهام است. این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه وزارت امور خارجه باید در قبال این پرونده پاسخگو باشد، اظهار داشت: وزارت امور خارجه در قبال دیپلمات‌ها مسئول است و باید پاسخگو باشد؛ نباید این پرونده را فراموش کرد.

کنعانی مقدم خاطر نشان کرد: زمانی که وابسته علمی ایران در انگلیس بودم همین اتفاق برای بنده افتاد و دولت انگلیس به عنوانی مختلف ما را به حضور بازگرداند اما در آن مقطع شرایط به گونه‌ای بود که دفاعی در این خصوص انجام نشد.

استراتژی حزب اراده ملت حمایت از کاندیدای درون حزبی است

یک عضو حزب اراده ملت ایران گفت: استراتژی حاما در انتخابات پیش رو ابتدا حمایت از کاندیدای درون حزبی و بعد حمایت از کاندیداهایی است که از یک حزب معرفی شده اند.

پیام فیض در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به آخرین تصمیمات حزب اراده ملت برای حضور در انتخابات مجلس یازدهم، اظهار کرد: شرط گذاری برای شرکت در انتخابات نه به صلاح است و نه منتج به نتیجه. شرط گذاری شانه خالی کردن از بار مسئولیت است و نتیجه ای جز شکست اصلاح‌طلبان ندارد.

وی افزود: اگر نظام انتخاباتی حزبی باشد حتی با نمایندگان دسته چندم هم می توانیم خدمات ارزنده ای به کشور و مردم ارائه کنیم؛ چرا که اگر حتی یک فرد کم توان هم به مجلس بفرستیم تیم کارشناسی در هر حوزه ای از حزب این فرد را پشتیبانی خواهد کرد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: حزب اراده ملت عمیقاً معتقد است کسب کرسی های مجلس هدف نهایی در انتخابات نیست، بلکه پاسخگویی، شفافیت و خدمت به مردم به دور از هرگونه شعارزدگی هدف نهایی شرکت در انتخابات است. فیض با اشاره به برگزاری اولین نشست انتخاباتی حزب اراده ملت، اظهار کرد: استراتژی حزب اراده ملت در انتخابات پیش رو در وهله اول حمایت از کاندیدای درون حزبی و در وهله بعدی حمایت از کاندیداهایی است که از یک حزب معرفی شده اند؛ چرا که هر حزب باید نمایندگان خود را ضمنت کند و در این صورت است که با هر نوع عملکردی می توان از آن حزب و نماینده اش بازخواست کرد.

شاه در تل آویو نمایندگی مخفی داشت و اسرائیل در تهران نمایندگی دائمی ایجاد کرده بود که بعدها به سفارت تبدیل شد و وابستگان نظامی اسرائیل هم در آنجا حضور داشتند. به دلیل ماهیت حساسیت برانگیز چنین توافقی، نمایندگان اسرائیلی در ایران عموماً از برقراری روابط اداری رسمی با رژیم شاه از کانال وزارت خارجه یا سایر وزارت خانه‌ها اجتناب می‌کردند. در عوض، امورات خود را از طریق حلقه نزدیک سیاستمدان و نیروهای وفادار به شاه، مانند مقامات رده بالای نظامی، انجام می‌دادند. گاهی این امور مستقیماً توسط خود شاه و وزیر دادگستری او انجام می‌شد.

فرارو- امسال چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی در ایران است که در پی آن پادشاهی مطلقه محمد رضا شاه پایان یافت. به گزارش فرارو، ایاتی ماک، فعال حقوق بشر و پژوهشگر اسرائیلی که مخالف حمایت نظامی اسرائیل از رژیم‌های سرکوبگر است، در مقاله‌ای در «لوپلاگ» به بررسی روابط محرمانه محمد رضا شاه با اسرائیل می‌پردازد. بخش اول این مقاله که به بررسی روابط نزدیک دوطرف در دوره پهلوی و همکاری‌های امنیتی و اقتصادی شاه با اسرائیل می‌پردازد را در ادامه می‌خوانید:

در طول این سال‌ها در مورد روابط اسرائیل با محمد رضا شاه و دیکتاتوری او بسیار نوشته‌اند. هر وقت شرایط برای مقامات امنیتی و سیاسی و ماموران سانسور ارتش اسرائیل مساعد بود، اطلاعاتی در دسترس عموم قرار می‌گرفت. حتی پرونده‌های محرمانه آن دوران هم گاهی منتشر شده است. اخیراً، پرونده‌هایی از وزارت خارجه اسرائیل در مورد روابط اسرائیل با ایران از محرمانه بودن خارج شده است و در پایگانی دولت اسرائیل قابل دسترسی است. این پرونده‌ها شامل ۱۰ هزار صفحه مدرک مربوط به سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۹ است.

این پرونده‌ها در مقایسه با مدارک مشابه در مورد سایر کشورها به شدت سانسور شده بود.

این پرونده‌ها روابط گسترده و استثنایی اسرائیل با یک کشور خارجی را افشا می‌کند. این مدارک نه تنها روابط سیاسی و امنیتی اسرائیل با یک کشور مسلمان را برملا می‌کند، بلکه نشانی می‌دهد رابطه اسرائیل با دیکتاتوری شاه برای دولت اسرائیل از نظر امنیتی، اقتصادی و سیاسی، «راهبردی» و اساسی بوده است. در زمانی که این کشور چنین رابطه استراتژیکی با ایران داشت، روابط اسرائیل با بسیاری از کشورها، عمدتاً محدود به فروش تسلیحات در ازای خرید رای به نفع اسرائیل در مجامع بین المللی بود.

اسرائیل بخش اعظمی از نفت مورد نیازش را از ایران می‌خرد. بعضی سال‌ها کل نفت اسرائیل را شاه تأمین می‌کرد. ایران همچنین از اسرائیل به عنوان یک دلال برای فروش نفت به کشورهای ثالث استفاده می‌کرد. همکاری در زمینه انتقال نفت نیازمند این بود که اسرائیل و شاه از امنیت مسیرهای کشتی رانی مطمئن شوند. این مساله موجب تقویت همکاری این دو طرف برای مقابله با تلاش‌های مکرر جمال عبدالناصر در راه اترقای اتحادهای نظامی و ایدئولوژیکی با کشورهایی که دشمن ایران و اسرائیل بودند، شد. جمال عبدالناصر، رئیس جمهور مصر تلاش داشت با کشورهای رقیب ایران و اسرائیل در خاورمیانه به خصوص کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و شبه جزیره عرب متحد شود.

شرکت‌های خصوصی و دولتی اسرائیل در حوزه‌های نساجی، کشاورزی، لوازم برقی، آب، کود، ساخت و ساز، هوانوردی، کشتی رانی، گاز، لاستیک سازی و حتی پروتزهای دندان به صورت گسترده‌ای در ایران فعالیت داشتند. بعضی سال‌ها ایران یکی از واردکنندگان اصلی محصولات اسرائیلی بود. همچنین، دانشگاه‌های اسرائیلی همکاری‌های نسبتاً گسترده‌ای با دانشگاه‌های ایران داشتند.

شاه هرگز به طور رسمی اسرائیل را به رسمیت نشناخت ایران در ماه مارس سال ۱۹۵۰ دولت اسرائیل را به صورت «فناکتو» (غیر رسمی) به رسمیت شناخت، اما تحت فشارهای بین المللی از طرف کشورهای که مخالف اسرائیل و سیاست‌های طرفدار غرب و طرفدار آمریکای شاه بود (مثل فشار گسترده از طرف کشورهای عربی) ایران از به رسمیت شناختن رسمی اسرائیل خودداری کرد.
در اوایل سال ۱۹۶۱، شاه در تل آویو نمایندگی مخفی داشت و اسرائیل در تهران نمایندگی دائمی ایجاد کرده بود که بعدها به سفارت تبدیل شد و وابستگان نظامی اسرائیل هم در آنجا حضور داشتند. به دلیل ماهیت حساسیت برانگیز چنین توافقی، نمایندگان اسرائیلی در ایران عموماً از برقراری روابط اداری رسمی با رژیم شاه از کانال وزارت خارجه یا سایر وزارت خانه‌ها اجتناب می‌کردند. در عوض، امورات خود را از طریق حلقه نزدیک سیاستمدران و نیروهای وفادار به شاه، مانند مقامات رده بالای نظامی، انجام می‌دادند. گاهی این امور مستقیماً توسط خود شاه و وزیر دادگستری او انجام می‌شد. برای سال ها، اسرائیل تلاش می‌کرد دخالت خود در دستگاه‌های امنیتی ایران و سرکوب‌هایی که شاه انجام می‌داد را پنهان کند، اما افکار عمومی در ایران به خوبی از کمک‌های اسرائیل به رژیم، مخصوصاً رابطه نزدیک اسرائیل با سرویس امنیتی ایران (ساواک) آگاه بودند. ساواک مسئول آزار و اذیت، شکنجه و قتل مخالفان سیاسی پادشاه خدومکه ایران بود. در بین روابط وسیع بین دو طرف، من نوری پرونده‌هایی که متعلق به کمک اسرائیل به دستگاه‌های امنیتی و سرکوب شاه می‌شود، متمرکز شده ام. سرکوب‌هایی که در نهایت موجب سرنگونی رژیم پهلوی شد.

این پرونده‌ها عمق دخالت اسرائیل در رژیم، اهمیت استراتژیک اسرائیل در این روابط و ترس اسرائیل از پیامدهای سقوط رژیم پهلوی را نشان می‌دهد. نگرانی اسرائیل پس از سال‌های رسمی با سرنگونی رژیم مشهود بود.

نثبت با سرکوب

آگاهی اسرائیل از سیاست‌های سرکوبگرانه شاه از تلگرافی که در آوریل ۱۹۵۵ توسط سفارت اسرائیل در لندن ارسال شده است، مشهود است. این تلگراف نشان می‌دهد یک دیپلمات ایرانی به طرف اسرائیلی می‌گوید دولت ایران در حال ممنوع کردن «مزام اشتراکی» (کمونیسم) در سراسر کشور است و آمریکایی‌ها از این اقدامات رضایت ندارند.

۸ سال بعد؛ یعنی در ۹ سپتامبر ۱۹۶۳، ناتانائیل لورج، مسئول اداره خاورمیانه وزارت خارجه اسرائیل نوشت مراسم

تاریخ مسخ ایران

تاریخ نانوشته اتحاد شاه و اسرائیل

روابط محرمانه محمدرضا شاه با اسرائیل به روایت یک پژوهشگر اسرائیلی



از سرهنگ یاکوف نیمرودی، وابسته نظامی اسرائیل در تهران می‌خواهد برای آموزش محافظانش با او همکاری کند. در مکالماتی که یک ماه بعد با مئیر عزری انجام شد، نخست وزیر ایران می‌گوید: «به فرمانده ژاندارمری دستور داده سلاح یوزی بخرد و ضرورت تصویب بوجه‌ج برای آن را به توصیه وابسته نظامی ارتش اسرائیل در ایران، تأیید کرده‌است.»

دو ماه بعد در ۱۳ آوریل، ییتزاک رابین، جانشین ستاد ارتش اسرائیل با شاه که علاقه‌مند به خرید هواپیماها و تانک‌های اسرائیلی بود و بر تغییرات سطح همکاری نظامی و امنیتی دو طرف آگاه بود صحبت کرد.

در گزارشی از دوریل، سفیر اسرائیل در تهران، در ۲۹ آگوست ۱۹۶۷ می‌خوانیم: «ما یک همکاری نزدیک، دوستانه و کاربردی بین ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل و هم‌تایان ایرانی آن‌ها داریم. این همکاری‌ها همراه اجرای برنامه‌ها و ماموریت‌هایی است که اهمیت ملی دارند، همچنین ملاقات‌های بین سران نیروهای نظامی و مقامات ارشد به طور پیوسته در جریان است.»

او ادامه می‌دهد: «مشکلات امنیتی مختلف که برای اسرائیل حیاتی است در همکاری نزدیک با ایرانی‌ها برطرف شده است. وابستگان نظامی که توسط ستاد ارتش و وزارت خارجه ایران به رسمیت شناخته شدند، روابط گسترده‌ای با ارتش ایران دارند و روی مسائلی که اهمیت ملی دارند کار می‌کنند و از توجه ویژه حلقه‌های نظامی ایران برخوردارند… آن‌ها مذاکرات مهمی را در ارتباط با خرید محصولات ساخت اسرائیل و برنامه‌های آموزشی به ارزش میلیون‌ها دلار انجام داده اند. رییس ستاد ارتش و رییس سرویس امنیتی اسرائیل بارها با شاه دیدار کردند. ارتش ایران، ارتش و سرویس اطلاعاتی اسرائیل را به چشم متحد خود می‌دید و با آن‌ها در مورد مسائل حرفه‌ای در ارتباط بود. سرهنگ نیمرودی، وابسته نظامی اسرائیل، امروز در بین حلقه‌های نظامی، یک قهرمان است.»

شاه در «ستون شایعات» اسرائیل

بر اساس تلگرافی در ۲۷ دسامبر ۱۹۶۷ «حضور دائم اسرائیل توسط عموم مردم به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار پذیرفته شده بود… ایران رژیم‌های انقلابی عرب را نه تنها به عنوان منشاء ملی گریبی افراطی عربی بلکه تهدیدی برای رژیم پادشاهی خود می‌دید. این مساله نه تنها برای روابط صمیمانه بین سرویس‌های اطلاعاتی دو طرف مناسب و تشویق کننده است بلکه حتی در قلمروی دیپلماتیک در پایتخت‌های غربی در جمله آمریکا و انگلیس و حتی همکاری و هماهنگی در خاورمیانه (در مقابل کردها و یمنی‌ها) تأثیرگذار است.
با همه این اوصاف و بر خلاف روابط نزدیک دو طرف، رژیم شاه تمایل نداشت این روابط علنی شود. حلقه داخلی دربار شاه، بارها به گزارش‌های رسانه‌های اسرائیلی در مورد روابط دو طرف و همچنین لذت گزایی در خانواده سلطنتی اعتراض کردند. مثلاً در آگوست ۱۹۶۷ وزیر خارجه ایران به یک «گزارش زرد» که یک مجله سبک زندگی اسرائیلی کرده زبان به «لایشا»، در مورد خانواده شاه منتشر کردی بود اعتراض کرد. اگرچه نماینده اسرائیل در تهران توضیح داد که «این یک مجله بی اهمیت است که معمولاً دختران نوجوان می‌خوانند.»

بر اساس تلگرافی که در آگوست ۱۹۷۲ توسط عزری، سفیر اسرائیل به وزیر دفاع ارسال شد، مذاکرات در مورد خرید هواپیماهای سوخت‌رسان اسرائیلی توسط دیکتاتوری شاه در حال پیشرفت بود. گزارش وزارت خارجه اسرائیل در مورد صادرات نظامی اسرائیل به دیکتاتوری ایران در ۲۹ اکتبر آن سال، نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲، اسرائیل به ارزش ۲۰۰۹ میلیون دلار تجهیزات نظامی به ایران فروخته است.

جبهه متحد علیه کمونیسم

نامه‌ای در تاریخ ۲۸ جوئن ۱۹۷۳ از ناظر معاونت وزیر دارایی در معاملات خارجی، به معاون مدیر کل همکاری نظامی بین المللی اداره وزارت دفاع اسرائیل اظهار می‌دارد: «اخیراً، مقامات اسرائیلی فعالیت در ایران شامل: واحدهای تولیدی ارتش و وزارت دفاع اسرائیل، صنایع هوایی، تادیران، موتورلا و دیگرانی که سعی دارند خدمات و تولیداتشان را به ارتش، وزارت دفاع و سازمان‌های حکومتی مشابه در ایران، بفروشد افزایش یافته است. طیف فعالیت‌ها گسترده است و از تأمین محصولات نظامی و الکتریکی توسط کارخانه‌های اسرائیلی تا صادرات سیستم‌های تولید و مونتاژ آن‌ها در مبداء، آموزش، پژوهش، ساخت، تعمیر ونگه داری تسلیحات توسط پیمانکاران را شامل می‌شود. چیزی که توجه ما را جلب می‌کند این است که سازمان‌های مختلف اسرائیلی در زمینه‌های مشابه فعالیت می‌کنند و حتی برخی فعالیت‌ها باهم هم پوشانی دارد.»
نیروهای پلیس ایران آموزش استفاده از تجهیزات ارتباطی را در شرکت موتورلا در اسرائیل گذرانده اند. اما بر اساس تلگراف ارسالی در ۲ ژوئن ۱۹۷۵ از طرف آ. لوبین، مامور اسرائیلی در تهران به سازمان همکاری‌های بین المللی در وزارت خارجه

سیاسی

اسرائیل، ایرانی‌ها درخواست کردند «آموزش کامل را در مقر پلیس اسرائیل بگذرانند.»

لوبین توصیه می‌کند که این درخواست مورد پذیرش قرار گیرد و نهایتاً وزارت خارجه را آگاه می‌کند که «پلیس اسرائیل با احترام و مسئولیت پذیری دوره همکاری با افسران ایرانی را می‌پذیرد» و اینکه بخش ثنوری دوره آموزشی شامل «تور مقر پلیس اسرائیل» هم می‌شود.

روابط دو طرف در بالاترین سطح ممکن بود. گلدامیر، نخست وزیر اسرائیل در سال ۱۹۷۲ با شاه دیدار کرد و در ۱۹ می‌گزارش داد که او به شاه گفته است: «فکر می‌کند که روابط و همکاری بین کشورهایی که در مقابل کمونیسم ایستاده اند (ایران، اسرائیل، ترکیه و اتیوپی) باید تقویت شود». دو سال بعد میر استعفا داد و ییتزاک رابین به نخست وزیری رسید و از تهران بازدید کرد. بر اساس تلگرافی در ۸ دسامبر ۱۹۷۴، رابین با رییس سرویس اطلاعاتی ایران هم دیدار داشته است.

شروع یک پایان

در طول آن سال‌ها اسرائیل باور کرد رژیم ایران بی ثبات شده است. بر اساس گزارشی که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ توسط وزارت خارجه و مدتی بعد از ملاقات میر از تهران، تهیه شده است، «نارضایتی اجتماعی در بین دانشجویان و روشنفکران مشهود است و ثبات رژیم با سیاست‌های پلیسی حفظ شده است.» چهار سال بعد در ژوئن ۱۹۷۶ اسرائیل فهمید شاه به دردرس افتاده است.

تلگرافی که در آن سال توسط یوری لوبرانی، سفیر اسرائیل ارسال شده است نشان می‌دهد که سیاست لیبرالیزاسیون شاه که شامل سلب قدرت ساواک می‌شد موجب شد عصری که تا همین اواخر زیر زمینی و خاموش فعالیت می‌کردند از فرصت استفاده کرده و شروع به بیان مخالفت خود با رژیم کردند. این مساله شاه را مجبور کرد برای کنترل وضعیت، برخی از اختیارات ساواک را برگرداند. لوبرانی ادامه می‌دهد: «امروز احساس بسیاری از مردم در ایران این است که وضعیت شاه در سرعت در حال خراب شدن است. این فرآیند بازگشت ناپذیر است و نهایتاً به سرنگونی شاه و تغییرات شدید در شکل حکومت ایران می‌انجامد. تخمین زمان این اتفاق بسیار دشوار است و ارزیابی شخصی من (که بر اساس شواهد عینی نیست) این است که تغییر رژیم در حدود ۵ سال آینده اتفاق می‌افتد. البته در مورد اینکه چه کسی یا چه چیزی جایگزین رژیم فعلی می‌شود پاسخی وجود ندارد. اینکه فرض کنیم پادشاهی در ایران به پایان خود می‌رسد منطقی است و دست کم در مرحله اول نیروهای نظامی جای آن را بر می‌کنند. پرسش اساسی این است که چه کسی آن‌ها را رهبری می‌کند و این فرآیند به چه سمتی خواهد رفت؟

لوبرانی در مورد عواقب این اتفاق برای اسرائیل، می‌نویسد: «رژیم فعلی باید به عنوان مثبت‌ترین رژیم برای اسرائیل در نظر گرفته شود. هر تغییری در این حکومت به روابط ما با سفق رژیم آسیی می‌زند.» با گذشت زمان، نگرانی اسرائیل از سرنوشت رژیم ایران بیشتر شد. دو سال بعد در ۱۴ آگوست ۱۹۷۸، لوبرانی در تلگرافی به وزارت خارجه، آینده غم انگیزی را برای شاه ترسیم کرد. لوبرانی با جعفری، معاون شهرنابی ملاقات کرد. جعفری در این دیدار گفته بود «در کوتاه مدت در برقراری قانون و نظم مشکلی احساس نمی‌کند و باور دارم رژیم نظامی قادر است از پس هرگونه تلاشی برای شورش بربیاید. از طرف دیگر او معتقد بود این وضعیت برای همیشه دوام نخواهد داشت و اگر دولت اقدامات گسترده‌ای برای تغییر سیستم حکمرانی و اولویت‌هایش انجام‌دهد رژیم موجود دچار فروپاشی خواهد شد.»

جعفری معتقد بود شاه از وضعیت واقعی خود مطلع نیست. او همچنین از رییس ساواک به خاطر عدم تغییر سیستمی که مردم از آن متفرند انتقاد کرد. جعفری ادعا کرد وقتی که رژیم از ارتش استفاده کرد و «موجب تلفات زیادی شده» اشتباه کرد.

آخرین امید

یک ماه و نیم بعد، در ۲۸ سپتامبر، لوبرانی به وزرات خارجه گزارش می‌دهد که در کوران تظاهرات بزرگ عیله شاه با او دیدار کرده است. او می‌گوید شاه مکرراً ادعای خود مبنی بر اینکه کمونیست‌ها این تظاهرات را ترتیب داده اند را تکرار کرده است. وقتی شاه از لوبرانی در مورد هوشش می‌پرسد، این پاسخ را می‌شنود: «من در مسائل سیاسی همیشه نقش آفرینی کرده ام، اگر چه با رییس ساواک در ارتباط نبوده ام، اما از طریق وزیر دادگستری و طوفانیان (معاون وزیر دفاع) چنین نقشی داشته ام.»

حسین طوفانیان

لوبرانی ملاقات را اینطور خلاصه می‌کند: «پیش این مرد احساس ناخشنودی داشتم. او آن مردی که ما می‌شناختیم نبود. او غیر صمیمی بود و گاهی خیره نگاه می‌کرد. بدون شک او در کابوسی است که هنوز کاملاً از آن خلاص نشده است. او به شدت نسبت به آینده ترس و شک داشت. نگران کننده‌ترین جنبه این قضیه آنجاست که به نظر می‌رسد او با سرنوشت خود کنار آمده است و تمایل قوی برای به دست گرفتن امور و تغییر شرایط را ندارد.»

اسرائیل نمی‌خواست تحت هیچ شرایطی پایگاه خود در ایران را از دست بدهد. در صورت عزل شاه، اسرائیل امیدوار بود یک رژیم نظامی جای آن را بگیرد. یاتل وید، مسئول اداره خاورمیانه در وزارت خارجه اسرائیل در تلگرافی در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ می‌نویسد: «بهترین گزینه برای دولت اسرائیل یک حکومت کاملاً نظامی است؛ روی کار آمدن این رژیم یا با یک کودتای نظامی محقق می‌شود و یا بر رضایت ضمنی خود شاه.»

در ۴ ژانویه ۱۹۷۹ شاه در آخرین تلاش‌ها برای حفظ حکومت، شاپوری بختیار را به نخست وزیر انتخاب کرد. اسرائیل تمایلی از توانایی او برای حکومت نداشت و ورد در تلگرافی اعلام کرد حکومت بختیار از حمایت عمومی برخوردار نیست و در خطر فروپاشی قرار دارد. ورد پیش بینی می‌کرد که اگر آیت الله خمینی و حامیانش به قدرت برسند، روابط ایران و اسرائیل به پایان می‌رسد. بعد از ورود آیت الله خمینه به ایران در ۱۱ فوریه، اسرائیل نمایندگانش را از ایران خارج کرد. تا کنون نه اسرائیل و نه آمریکا مسئول حمایت‌شان از دیکتاتوری شاه در برخورد با نیروهای چپ و ترقی خواه در ایران را نپذیرفته اند.